

زیر و بم سریال‌های رضانی در ترازوی کارشناسی

در کنار ویژه برنامه‌هایی مانند ماه عسل، دعوت، هزار داستان، سر سفره خدا و دیگر آثار مناسبتی، در ماه رمضان امسال دو سریال از شبکه یک و سه به نمایش درآمد که هر دو در جلب نظر مخاطبان موفق بودند و کیفیت هر دو به اندازه‌ای بود که نقاط ضعف و قدرت هر کدام، از نگاه منتقدان مورد پرسش قرار بگیرد و ویژگی‌ها هر دو بررسی شود.



در کنار ویژه برنامه‌هایی مانند ماه عسل، دعوت، هزار داستان، سر سفره خدا و دیگر آثار مناسبتی، در ماه رمضان امسال دو سریال از شبکه یک و سه به نمایش درآمد که هر دو در جلب نظر مخاطبان موفق بودند و کیفیت هر دو به اندازه‌ای بود که نقاط ضعف و قدرت هر کدام، از نگاه منتقدان مورد پرسش قرار بگیرد و ویژگی‌ها هر دو بررسی شود.

چند نفر از منتقدان تلویزیون و سینما زیر و بم سریال‌های تلویزیونی را به اختصار تحلیل و بررسی کرده‌اند؛ که در ادامه می‌خوانید:

احترام به مخاطب

رضا درستکار: نفس یک غنیمت ارزشمند است. به دلایل متعدد این سریال را دوست داشتم و حتی یک قسمتش را از دست ندادم. اول این که در نگارش و تولید آن به مخاطب احترام گذاشته شده و با دقت ساخته شده است. از شلوغی و هیاهو پرهیز کرد و ضرباهنگی آرام و با طمانینه داشت.

نکنه دوم، قصه عاشقانه‌ای است که در بستر رویدادهای تاریخی روایت شده. هر چه این عشق قدرت بیشتری گرفت، بر جذابیت آن افزوده شد. نه این عشق از جنس عشق‌های رایج است که همیشه در آثار تلویزیونی دیده‌ایم و نه حتی شخصیت‌ها شبیه بقیه شخصیت‌ها هستند.

بازیگران سریال به دقت و درستی انتخاب شده‌اند و بازی کنترل شده و دقیقی به نمایش گذاشته‌اند. ساناز سعیدی، دستاوردی برای بازیگری است و علیرضا کمالی بخوبی از ایفای نقش کسی که همیشه در خوب یا بد بودنش تردید وجود دارد، بر آمده است.

رویدادها و اتفاقات با طمانینه و دقت به نمایش در می‌آیند. کارگردانی قابل توجه و متناسب با یک سریال استاندارد تلویزیونی است و هر قسمت جایی تمام می‌شود که مخاطب تشنه قسمت بعدی باشد. صحنه آرای، فضایی زنده و باورپذیر ایجاد کرده و از بازیگران تکراری که در بیشتر سریال‌های تلویزیونی می‌بینیم، خبری نیست.

به اعتقاد من، نفس با دقت ساخته شده و برای مخاطبش احترام زیادی قائل بوده است.

تاکید بر انصاف و عاقبت به خیری

حسام‌الدین مقامی‌کیا: سریال زیر پای مادر را دوست داشتم؛ این نوع فیلمنامه با همه تب و تاب‌ها آرامش مرا نمی‌گیرد چون می‌دانم در پایان همه چیز ختم به خیر می‌شود و اتفاق ناگواری رخ نمی‌دهد. برای من این سریال حکم یک عاشقانه آرام را دارد که اتفاقات و ماجراهایش درست و تعریف شده است.

سعید نعمت‌الله، ساختار جذابی برای این فیلمنامه طراحی کرده و قسمت‌های ابتدایی آن به این ترتیب بود که هر قسمت از نگاه یکی از شخصیت‌ها روایت می‌شود؛ یک قسمت از نگاه خلیل و بعد آنه، خانواده آنه، اشکان و دیگران. این تکنیک در کنار دیالوگ‌نویسی خاص نعمت‌الله به جذابیت فیلمنامه افزوده بود. البته دیالوگ‌نویسی همچنان که گاهی نکته قوت سریال بود، گاه به آن لطمه می‌زد و

شخصیت‌پردازی‌ها را مخدوش می‌کرد.

شخصیت‌های سریال زیرپای مادر یک ویژگی مهم و بارز دارند که از نگاه من شاید این ویژگی، گم‌شده امروز جامعه ما باشد؛ این که حتی اگر با کسی مخالف هستی، درباره‌اش جانب انصاف را نگه داری. در شخصیت‌های این سریال، تلاش مصرانه و ملموسی برای منصف بودن به چشم می‌خورد.

از دیگر ویژگی‌های سریال، موسیقی آن است که به موسیقی تیتراژ ابتدایی و انتهای محدود نشده و چندین قطعه موسیقی با کلام برای متن سریال ساخته شده است. انتخاب علی زندوکیلی که لحن و صدایی متناسب با محتوای اثر دارد، در خدمت سریال بود و همین‌طور ملودی‌ها بجا و تاثیرگذار بود.

نفس از استانداردهای یک اثر تلویزیونی برخوردار است، اما من جذب این سریال نشدم. شاید زمانی که جلیل سامان، ارمغان تاریکی و پروانه را می‌ساخت، تماشای سریالی درباره منافقین جذابیت داشت، اما حالا بعد از فیلم‌هایی چون سیانور و ایستاده در غبار و دیگر سریال‌های خود سامان، نفس حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد.

اصرار بر بازسازی فضای دهه 50 و صحنه‌آرایی‌نوستالژیک، حواس مخاطب را از قصه اصلی نفس دور می‌کرد و ریتم کند و کشدار سریال به این حواس‌پرتی دامن می‌زد. اگر قرار بود داستانی از منافقین روایت شود، با توجه به فعالیت مسلحانه این گروهک، شاید بهتر بود شاهد اتفاقات سریع‌تر و عینی‌تری باشیم،‌نه یک سریال شخصیت محور.

نفس و چند اتفاق خوب

مازیار معاونی: نفس، سومین ساخته کارگردانی است که در ساخت طیفی از سریال‌های تاریخی، سیاسی با نگاه به عملکرد سازمان منافقین، پیشرو محسوب می‌شود. او سال 1389، ارمغان تاریکی و سال 1392، پروانه را با همین مضمون ساخته و احتمالاً با همین پشتوانه سراغ تولید سریال نفس رفته است.

اولین بار سامان این تابو را شکست و از گروه منافقین سریال ساخت و بعد از آن بود که فیلم‌هایی چون سیانور، امکان مینا و ایستاده در غبار به این موضوع پرداختند، اما نفس در مقایسه با دو اثر قبلی کارگردان از نفس افتاده است؛ ریتم کند، نقاط عطف محدود و کم جانی موقعیت‌ها سبب شده بخوبی سریال‌های قبلی سامان نباشد.

از نگاه تاریخی، سریال نفس اثری مفید است برای مخاطبی که چندان علاقه‌ای به خواندن تاریخ ندارد و بازی‌ها نیز قابل توجه است. سامان یک بار در سریال پروانه از حامد کمیلی بازی متفاوتی گرفت و همین باعث شد او به فیلم سیانور هم دعوت شود و این بار در سریال نفس خطر کرده و نقش اصلی سریالش را به علیرضا کمالی سپرده که بیشتر در نقش‌های دوم و سوم بازی کرده بود. شباهت‌هایی بین گریم کمالی و سرکرده منافقین دیده شد که البته می‌تواند عمدی نباشد. خوشبختانه کمالی از پس نقشش برآمده و ممکن است سرنوشت تازه‌ای در انتظارش باشد. حضور مسعود رایگان و ژاله صامتی که سال‌ها از تلویزیون دور بوده، از دیگر اتفاقات خوب سریال محسوب می‌شود.

در کنار این اتفاقات خوب، سریال نفس، ملات داستانی کمی دارد و بخش مربوط به فعالیت‌های اعضای منافقین به اندازه کافی هیجان و التهاب ایجاد نمی‌کند. روسای روزبه نشان داده نمی‌شوند و مخاطبی که اهل مطالعه نیست، این گروهک و بی‌رحمی و ترورها و رفتار غیرانسانی‌ آن را درک نمی‌کند.

کشش و اغراق

آنتونیو شرکا: سریال نفس، یک دوره ملتعب و جذاب تاریخی را به نمایش گذاشت و بخصوص برای کسانی که خاطراتی از آن دوران دارند جذاب بود، اما از نیمه‌های سریال دیگر شاهد ریتم اولیه نیستیم، روند قصه‌گویی دچار سکنه می‌شود و اتفاق تازه‌ای رخ نمی‌دهد.

سریال‌های ماه مبارک رمضان حدود 30 قسمت ساخته می‌شوند و شاید هر قصه مستعد این تعداد قسمت نباشد. شاید هم به داستانک‌های بیشتری نیاز بود تا ریتم مناسب‌تری پیدا کند.

در سریال نفس، بازیگران خوب درخشیدند؛ بخصوص بازیگران نقش‌های اصلی. این سریال می‌تواند برای سنان سعیدی یک شروع خیلی خوب در حرفه بازیگری باشد و برای علیرضا کمالی فرصتی مناسب تا توانایی‌هایش بخوبی دیده شود.

در کنار نفس، سریال زیر پای مادر به عنوان یک ملودرام اجتماعی به نمایش درآمد و البته برخلاف رویه چند سال اخیر، امسال هیچ طنزی پخش نشد.

سریال زیر پای مادر با تغلیظ روابط عاطفی آدم‌ها، تمرکز مصرانه بر تنش‌ها و برخوردها، تعدد شخصیت‌ها و شلوغی و به هم ریختگی ماجراها، تعدد اتفاقات و دیالوگ‌های شعارگونه به آثاری شبیه شده که در سینمای کارگردان‌هایی چون کیمیایی شاهد بوده‌ایم.

این مولفه‌ها وقتی رنگ اغراق به خود می‌گیرد، تعجب و تحیر برای مخاطب ایجاد می‌کند که در تضاد با باورپذیری است، اما کشش می‌آفریند و مخاطب را به خود جلب می‌کند.

نمایش چهره‌ای مردانه از یک زن و بخصوص ایفای این نقش توسط بهناز جعفری، مواردی است که باید مورد دقت قرار می‌گرفت. بهناز جعفری بازیگر خوبی است، اما انگار در ایفای نقش زنان سطح پایین و برآمده از بطن جامعه که می‌کوشند استوار و محکم بار مشکلات را به دوش بکشند و تاوان اشتباهات خودشان یا دیگران را بدهند، به تکرار و کلیشه نزدیک می‌شود و با این خطر روبه روست که چهره‌اش در هر اثری برای همیشه یادآور چنین زنانی باشد.

شکل‌گیری یک برند تلویزیونی

سحر عصرآزاد: تلویزیون امسال دو سریال کاملاً متفاوت از هم با دو سبک و سیاق مختلف را به مخاطبانش ارائه کرد.

سریال نفس ویژگی‌هایی دارد که از آن جمله می‌توان به بازیگران آن اشاره کرد. ترکیبی از بازیگران ناآشنا، جوان و بازیگران پیشکسوت و حرفه‌ای از نکات مثبت این سریال است و نشان می‌دهد که انتخاب بازیگران با دقت انجام شده ولی به عنوان آخرین بخش از سه‌گانه سامان درباره سازمان منافقین، قصه و درام تازه‌ای ندارد.

زیر پای مادر، بیش از آن که اثری باشد از بهرنگ توفیقی، سریالی است از سعید نعمت‌الله. خیلی خوب است که او در تلویزیون به یک برند تبدیل شده و نام و جایگاهی به دست آورده است.

شکل‌گیری یک سبک فیلمنامه‌نویسی در تلویزیون اتفاق مثبتی است اما در طول تکرار موقعیت‌ها، از تازگی اثر کاسته شده است. ساختار، محتوا، لحن و حتی بافت اثر به واقع‌گرایی سریال ضربه زده و دیالوگ‌های آهنگین، برآمده از شعر و شعار و استعاره بودند که با محتوای این ملودرام اجتماعی در تقابل قرار داشتند. همین نکته از باورپذیری زیر پای مادر کاست، بخصوص به این دلیل که همه شخصیت‌ها با هر سن و سالی و از هر خاستگاهی به یک شیوه و با ادبیات حرف واحد می‌زدند. فاصله گرفتن از رئالیسم در سریالی که قصه‌ای در زمان حال و جامعه ایرانی را روایت می‌کند، سبب شد زیر پای مادر موفقیت آثار قبلی نعمت‌الله را تکرار نکند.

آثار قابل تامل

جبارآدین: زیر پای مادر به خاطر تسلط فیلمنامه‌نویس به خصوصیات روانی و زندگی آدم‌ها، متوسط جامعه و شیوه کارگردانی بهرنگ توفیقی جذاب و مخاطب‌پسند بود. کارگردان و نویسنده با توجه به شخصیت‌پردازی فیلمنامه در انتخاب بازیگران درست عمل کردند و نقش‌ها بر اساس توانایی و استعداد بازیگران و نیز با هدایت مناسب نویسنده و کارگردان درست و جذاب از کار درآمدند.

در کنار امتیازات زیر پای مادر که در میان سریال‌های اجتماعی متفاوت و به‌گونه‌ای ممتاز است، اشکالاتی وجود دارد. آثار سعید نعمت‌الله به دلیل تکرار در شخصیت‌پردازی و نمایش آدم‌های

تکراری و موضوعات مکرر گفته شده در معرض دلزدگی قرار دارد و ممکن است مخاطب کارهایش را پس بزند. آدم‌زنجی‌ها، زندگی‌زنجی‌ها و فرهنگ حاکم بر آثار این فیلمنامه‌زنجی‌نویس، برآمده از لمپنیسم است. رفتار، گفتار و شخصیت‌زنجی‌ها متناسب با جایگاه اجتماعی آنها نیست و با کنش‌زنجی‌هایی روبه‌رو هستیم که در جامعه و جایگاه فرهنگی شخصیت‌زنجی‌ها جایگاهی ندارد.

استفاده‌نہ‌زنجی‌چندان مناسب از لوکیشن مشهد، یکی دیگر از این اشکالات است. قصه طوری طراحی شده و ماجراهایی برای وقوع در مشهد نوشته شده که در هر شهر دیگری می‌توانست اتفاق بیفتد. به عبارتی ویژگی‌زنجی‌های دینی و مذهبی مشهد در این سریال مد نظر قرار نگرفته است.

با این همه، زیر پای مادر سریال خوش‌ساختی است که نوع پرداخت موقعیت‌زنجی‌ها و بازی‌زنجی‌های آن نظر مخاطبان را به خود جلب می‌کند.

سریال نفس، سومین سریال جلیل سامان که در بستر مناسبات اجتماعی و سیاسی دهه 50 یک قصه خانوادگی را به نمایش گذاشت، با دو آسیب روبه‌رو است؛ اول این که حالا دیگر نمایش این بستر تاریخی تا اندازه‌زنجی‌ای تکراری شده و اگر قرار بود سامان بعد از دو سریال که خودش ساخته و دو اثر سینمایی، بار دیگر سراغ گروهک منافقین برود می‌توانست زاویه تازه‌زنجی‌ای پیدا کند یا حتی به مسائل روز این گروهک بپردازد.

نکته دیگر این که ویژگی بارزی در این ارتباط عاشقانه وجود ندارد و یک اتفاق ساده و گذراست. نه فقط عشق بلکه دوران مهم انقلاب اسلامی هم گذرا و سطحی تصویر شده است. البته سامان، کارگردان خیره و کاربلدی است و فیلمنامه، شخصیت‌زنجی‌پردازی و درام را خوب می‌شناسد. نفس بخوبی دو سریال دیگر کارگردان در نیامده ولی در اندازه‌زنجی‌ای هست که مورد قبول مخاطب میلیونی رسانه ملی قرار بگیرد.

از سر فرصت و بدون شتابزدگی

کیوان امجدیان: بعد از چند سالی که سریال‌زنجی‌های مناسبی تلویزیون بسیار سریع و با اضطراب و ضرب‌زنجی‌الاجل ساخته می‌شدند، مدتی است سریال‌زنجی‌ها با زمان‌زنجی‌بندی منطقی تولید می‌شوند و سریال‌زنجی‌های نفس و زیرپای مادر نیز سر فرصت و بدون شتابزدگی ساخته شده‌زنجی‌اند.

امسال از آنجا که زمان افطار دیرنگام بود، تلویزیون فرصت زیادی برای مانور نداشت و دو سریال بیشتر پخش نکرد. این دو اثر از دو گونه بسیار متفاوت هستند که اصراری نبود همه مخاطبان هر دو سریال را دنبال کنند و هر کسی می‌توانست بر اساس نگاه و سلیقه‌زنجی‌اش، یکی از این دو سریال را انتخاب کند.

فرم ساختاری، مضمون و لحن دو سریال ماه رمضان امسال کاملاً متفاوت است؛ زیر پای مادر، تم اجتماعی و خانواده‌زنجی‌پسند داشت و نفس یک درام تاریخی با تم عاشقانه بود. از جلیل سامان انتظار بیشتری می‌رفت چون از نیمه‌زنجی‌های سریال، روایت افت پیدا کرد و دیگر سریال‌ش از چفت و بست‌زنجی‌های داستانی قوی برخوردار نبود. با این حال، نفس قابل دفاع و دیدنی بود.

سریال زیرپای مادر، روایت داستانی پرکششی داشت؛ بزنگاه‌زنجی‌های متعدد و ریتم قابل قبول. بازی‌زنجی‌ها قابل توجه است اما به اندازه سریال نفس از پشتوانه تفکری و پژوهشی برخوردار نبود. این سریال پیام داشت و تلاش کرد تلنگری به مخاطب بزند، اما قصه و نوع روایت، از آن میزان عمق و پختگی برخوردار نبود که مخاطب پیامش را بپذیرد و به تلنگرش تکانی بخورد. وقتی سریالی که برای سرگرم‌زنجی‌کردن ساخته می‌شود و از همه مولفه‌زنجی‌ها برای قلاب انداختن عواطف مخاطب بهره می‌گیرد و در سطح حرکت می‌کند، پیام می‌دهد و ژست تلنگر زدن و به فکر فرو بردن می‌گیرد، صادق به نظر نمی‌رسد. اگر درگیر این ژست نمی‌شد، می‌توانست به نسبت سریال نفس با توجه به ضعف‌زنجی‌هایی که داشت در جایگاه بهتری قرار گیرد.

از همان اولین قسمت

امیرحسین ندایی: از سریال زیر پای مادر به قدری ندیده‌زنجی‌ام که بتوانم در‌زنجی‌باره‌زنجی‌اش نظر بدهم اما سریال نفس را تماشا کردم. تصویربرداری، نورپردازی و صحنه‌زنجی‌آرایی در نفس قابل توجه بود. فیلمنامه سر و شکل

داشت و روایتگر قصه‌ای بود که برای مخاطب جذاب بود، اما ساختار سریال رادیویی بود و دیالوگ محور. تصویر در پیشبرد درام تاثیرگذار و تعیین‌کننده نبود.

به عنوان یک معلم سینما می‌توانم به طور خلاصه بگویم، معتقدم یک اثر خوب می‌تواند حتی با یک قسمت مخاطب را جلب کند یا از دست بدهد.

آذر مهاجر - رادیو و تلویزیون